

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت تعاونی /ملحقات مباحث شروط

• فقط متضمن حکم وضعی است — مرحوم صاحب جواهر معتقدند که مفاد این دلیل، صرفاً صحت اشتراط در ضمن عقد است که يك حکم وضعی می باشد . [1] بر اساس این مبنا وجوب وفاء به شرط باید برگرفته از دلیل دیگری (مانند أوفوا بالعقود) باشد. مرحوم آیت الله حکیم می فرمایند ممکن است استدلال مرحوم صاحب جواهر بر نفی حکم تکلیفی در این دلیل، آن باشد که وجوب مستقل وفاء به شرط مستلزم آن است که تخلف بعضی از شروط (مانند تسلیم مبیع در بلد دیگر) موجب دو معصیت باشد زیرا هم مخالف با وجوب وفاء به عقد (أوفوا بالعقود) و هم مخالف با وجوب وفاء به شرط (المؤمنون عند شروطهم) خواهد بود . [2] علاوه بر اینکه این دلیل به لسان بیان حکم وضعی می باشد نه بیان حکم تکلیفی. همچنین مرحوم محقق ثانی نیز می فرماید مفاد این دلیل خصوص حقّ خيار فسخ می باشد که حکم وضعی است.

• متضمن هردو حکم تکلیفی و وضعی است — مفاد این دلیل به حسب اختلاف شروط، مختلف می باشد (کما هو المختار). اگر شرط ضمن عقد به صورت شرط فعل باشد این دلیل حاوی حکم تکلیفی و اگر شرط وصف و نتیجه باشد، حاوی حکم وضعی خواهد بود.

مختار در مسأله

به نظر می رسد برای تبیین مسأله باید به بیان اقسام شروط ضمن عقد پرداخت:

• اگر شرط قابل جعل مستقل نباشد (مانند اشتراط مدل خاص برای خیاطه که با صرف نظر از عقد و خیاطه، وجود مستقل ندارد) — اساساً این نوع از شروط، شرط اصطلاحی نیست تا مشمول دلیل المؤمنون عند شروطهم باشد بلکه بندهای عقد و قرارداد بشمار می آید که با توجه به مفاد آیه شریفه (أوفوا بالعقود) وجوب وفاء خواهد داشت.

• اگر شرط قابل جعل مستقل باشد:

◦ مرتبط به مضمون عقد باشد:

▪ به صورت قید در عقد قرار گرفته باشد (مانند خیاطه مقید به قرائت قرآن در حال خیاطه):

• وحدت مطلوب وجود داشته باشد — متفاهم عرفی از شرط و اشتراط، غیر از مفاهیمی است که به صورت قید در ضمن عقد قرار می گیرد. همچنین ظهور قید و تقید در وحدت مطلوب است، بنابراین این دسته از قیود بر اساس دلیل وجوب وفاء به عقد (أوفوا بالعقود)، وجوب وفاء خواهد داشت.

• تعدد مطلوب وجود داشته باشد — اگر قرینه ای وجود داشته باشد که مقید مطلوب مستقلاً از قید دارد، در حکم شرط ضمن عقد است و بعید نیست که مشمول دلیل المؤمنون عند شروطهم باشد.

▪ به صورت شرط در عقد قرار گرفته باشد (مانند خیاطه مشروط به قرائت قرآن در حال خیاطه) — بعید نیست که مشمول دلیل المؤمنون عند شروطهم باشد.

◦ مرتبط به مضمون عقد نباشد (مانند خیاطه مشروط به زیارت نیابتی)

▪ وحدت مطلوب وجود داشته باشد — اگرچه امر غیر مرتبط به مضمون عقد لامحاله باید به صورت شرط لحاظ شده باشد اما ممکن است با توجه به وجود قرینه بر وحدت مطلوب، جزئی از عقد به حساب آید و لزوم آن بر اساس وجوب وفاء به عقد (أوفوا بالعقود) باشد.

▪ تعدد مطلوب وجود داشته باشد — اگرچه امر غیر مرتبط به مضمون عقد لامحاله باید به صورت شرط لحاظ شده باشد و عنوان شرط ظهور در تعدد مطلوب دارد، قدرمتیقن از شمول دلیل المؤمنون عند شروطهم همین صورت است. همچنین از آنجا که امام علیه السلام برای وجوب التزام به شرط به دلیل وجوب وفاء به عقد (أوفوا بالعقود) تمسك ننموده اند کشف می شود که عنوان شرط باید رکن مستقلاً در مفاد عقد ملاحظه شده باشد.

---

[1] أقول: روشن نیست که صحت شرط به چه معناست. به نظر می رسد صحت شرط معنایی جز صحت التزام و وجوب وفاء بدان نداشته باشد.

[2] مستمسك العروة الوثقى، الحکیم، السید محسن، ج ۱۲، ص ۲۷۲.